

واکاوی شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور در قوانین اساسی کشورها



مرتضی نجابت‌خواه^{*۱} ID، سید علی حسینی کبریا^۲ ID

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/gjplk.2024.1898.1721](https://doi.org/10.22034/gjplk.2024.1898.1721)

چکیده

در جریان بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۶۸، با توجه به تحولاتی که در مدیریت قوه مجریه در پی حذف نخست‌وزیری و ریاست رئیس‌جمهور بر هیئت‌وزیران روی داد، در اصل ۱۳۰ قانون اساسی صرفاً با عباراتی کوتاه به موضوع استعفای رئیس‌جمهور اشاره شد: «رئیس‌جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد». در این اصل از قانون اساسی، اشاره چندانی به شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور نشد و اشاره‌ای نیز به این موضوع نشد که تفصیل این موضوع را قانون تعیین می‌کند. هرچند در عالم واقع تا کنون موردی از کناره‌گیری این مقام سیاسی در کشور ما واقع نشده است، نمی‌توان از پژوهش در رابطه با شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور صرف‌نظر کرد. بر این اساس در این مقاله نویسندگان با روشی توصیفی-تحلیلی و با اتخاذ رویکردی تطبیقی به موضوع شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور پرداخته‌اند و با الهام از قوانین اساسی کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند ترسیم روشنی در رابطه با مقوله یادشده ارائه دهند.

کلیدواژگان: استعفا، حقوق اساسی تطبیقی، رئیس‌جمهور، نظام پارلمانی، نظام ریاستی.



Analyzing the Conditions and Procedures for the Resignation of the President in the Constitutions of States

Morteza Nejabatkhah ^{1*} , S. Ali Hoseini Kebria ² 

1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

2. Master of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1898.1721](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1898.1721)

Abstract

During the revision of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, due to the developments that took place in the management of the executive branch, article (130) mentioned the issue of the resignation of the president, only in short terms. In this paper, it is stipulated that "the president submits his resignation to the leader and continues to perform his duties until his resignation is accepted." Therefore, there was no specific reference to the terms and procedures for the president's resignation. It was also not mentioned that the law determines the details of this issue. Although there has been no case of the resignation of the president in the Islamic Republic of Iran, we cannot ignore the research on the terms and procedures for the resignation of this political official. Based on this, this paper, using a descriptive-analytical method and adopting a comparative approach, discusses the subject of the terms and procedures for the resignation of the president and, inspired by the constitutions of different countries, tries to present a clear outline regarding the above-mentioned subject.

Keywords

President, Resignation, Presidential System, Parliamentary System, Comparative Constitutional Law.

* Email: m.nejabatkhah@umz.ac.ir (Corresponding Author)



مقدمه

در نظام‌های ریاستی، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام سیاسی کشور به شمار می‌آید و هماهنگی امور میان سایر قوای سیاسی کشور را بر عهده دارد و این در حالی است که هرچند اساساً در نظام‌های پارلمانی نخست‌وزیر یا صدراعظم نقش کلیدی در قوه مجریه کشور را عهده‌دار است، وجود نظام پارلمانی در یک کشور لزوماً به معنای فقدان رئیس‌جمهور در آن نیست و در مواردی رئیس‌جمهور، به عنوان یک مقام سیاسی ولو تشریفاتی و با اختیارات محدود، وحدت جامعه سیاسی را در برابر دست به دست شدن قدرت بین احزابی که اکثریت پارلمان و در نتیجه کرسی‌های نخست‌وزیری و وزارت را عهده‌دار می‌شوند رقم می‌زند. با این وصف، «جایگاه رئیس‌جمهور در هر نظام سیاسی بستگی معنادار و منطقی با ساختاری دارد که رئیس‌جمهور در آن به اعمال اقتدار می‌پردازد» (مرادی برلیان، ۱۳۹۲: ۵۱۰).

در نظام سیاسی ایران، با توجه به بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، وضعیتی متفاوت فراروی مقام ریاست‌جمهوری قرار گرفته است؛ از یک سو، رئیس‌جمهور طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، که به موجب بند ۷ اصل ۱۱۰ «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» و بر اساس اصل ۵۷ نظارت عالی بر قوای سه‌گانه را بر عهده دارد، «عالی‌ترین مقام رسمی کشور» به شمار می‌آید و از سوی دیگر یک مقام سیاسی تشریفاتی و با اختیارات محدود قلمداد نمی‌شود و «مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد». بدین ترتیب با وجود اینکه «رئیس‌جمهور رئیس دولت است، ولی از برخی اختیاراتی که از جمله شئون ریاست کشور است برخوردار می‌باشد» (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۲۷). وحدت بخشیدن به جامعه سیاسی و هم‌سوئی با قوه مقننه از ویژگی‌های رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ایران به شمار نمی‌آید و از یک گرایش سیاسی به گرایش سیاسی دیگر دست به دست می‌شود و در واقع این مقام رهبری است که طبق مقدمه قانون اساسی «بر اساس ولایت امر و امامت مستمر ... عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی» را، که سنگ‌بنای «جامعه نمونه (اسوه)» را تشکیل می‌دهد، تضمین می‌کند.

همچنین در نظام سیاسی ایران، هرچند مانند غالب نظام‌های ریاستی رئیس‌جمهور به شیوه انتخاب مستقیم از سوی مردم تعیین می‌شود، پس از انتخاب، طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حکم ریاست‌جمهوری وی باید به امضای رهبری برسد؛ آنچه به موجب ماده ۱ قانون

انتخابات ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۴ از آن به «تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری» تعبیر شده است.

رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ایران، بدین ترتیب با توجه به ولایتی که رهبری بر امور جامعه دارد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۷۴) و «مشروعیت اعمال حکومت و تصرفات اجرایی باید با صحه گذاشتن و تنفیذ مقام شرعی ولایت فقیه باشد» (مهرپور، ۱۳۸۷: ۱۳۴) و «تصرف در امر حکومت بدون تنفیذ ولی فقیه فاقد مشروعیت چه در استقرار و چه مداومت است» (غمامی، ۱۳۹۰: ۲۳۱)، با امضای حکم خود از سوی رهبری که «به معنای تنفیذ و تأیید احراز مقام ریاست‌جمهوری توسط مقام رهبری است» (زراعت و حاجی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۷۴) عهده‌دار پست ریاست‌جمهوری می‌شود و طبق اصل ۱۲۲ قانون اساسی در برابر رهبر، که حکم ریاست‌جمهوری وی را امضا می‌کند، مسئول قلمداد می‌شود و باید پاسخگو باشد؛ اما مانند نخست‌وزیر، در نظام‌های پارلمانی، در برابر مجلس شورای اسلامی نیز مسئول به شمار می‌آید و طبق اصول ۸۸ و ۸۹ نه تنها باید پاسخگو باشد بلکه می‌تواند «در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار گیرد» که البته در چنین موردی عزل وی از سوی رهبری و تابع «در نظر گرفتن مصالح کشور» خواهد بود.

هرچند عزل رئیس‌جمهور از سوی رهبری بر اساس بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به‌صراحت به شرط یادشده منوط شده است، در اصل ۱۳۰، که به موضوع استعفای رئیس‌جمهور اختصاص یافته، از این شرط به‌صراحت سخنی به میان نیامده است. اما از عبارت‌پردازی این اصل که مقرر داشته: «رئیس‌جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد»، در نگاه اول، می‌توان چنین برداشت کرد که در صورت استعفا هم پذیرش آن از سوی رهبری الزامی نیست و تابع در نظر گرفتن مصالح خواهد بود. در صورت پذیرش استعفا از سوی مقام رهبری، جریان امور به منوالی خواهد بود که در اصل ۱۳۱ مقرر شده و با محدودیت‌هایی همراه خواهد بود که در اصل ۱۳۲ به آن اشاره شده است؛ محدودیت‌هایی که شامل اقداماتی همچون تجدیدنظر در قانون اساسی و برگزاری همه‌پرسی می‌شود و با این فلسفه وضع شده‌اند که این اقدامات باید «در زمانی که تمامی ارکان مملکت که شامل رئیس‌جمهور هم می‌شود به صورت هماهنگ در حال انجام وظیفه هستند صورت بگیرد» (میرمحمدی مبینی و جمالی، ۱۴۰۱: ۶۶).

به‌رغم اهمیت نقش رئیس‌جمهور در نظام سیاسی کشور و خطیر بودن استعفای وی، که می‌تواند به خلل در رکن اجرایی کشور منجر شود، چه‌بسا با توجه به اینکه تا کنون در نظام حقوقی ایران چنین اقدامی نشده و همچنین پذیرش استعفا به حوزه صلاحیت مقام رهبری مربوط می‌شود، نه‌تنها در عرصه تقنین به شرایط و آیین این موضوع پرداخته نشده و مقررات قانونی خاصی در این رابطه وضع نشده، بلکه در عرصه پژوهش نیز این مقوله چندان مورد توجه قرار نگرفته و تنها در موارد معدودی صرفاً به موضوع کفالت رئیس‌جمهوری و مطالعه تطبیقی در این زمینه پرداخته شده که از آن جمله می‌توان به مقالات «جایگاه معاون اول به عنوان کفیل رئیس‌جمهور و مسئولیت‌های پیش‌بینی‌شده وی در نظام حقوقی ایران» (۱۳۹۷)، «واکاوی تطبیقی جانشینی موقت مقام ریاست‌جمهوری در نظام حقوقی ایران، مصر، و ترکیه» (۱۴۰۰)، «تحقق کفالت ریاست‌جمهوری در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه» (۱۳۸۹)، و «تصدی کفالت ریاست‌جمهوری در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه» (۱۳۸۸) اشاره کرد که البته ناظر به آثار استعفای رئیس‌جمهور در ساختار رکن اجرایی کشور هستند و به شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور نپرداخته‌اند. همچنین در مقاله «استعفای مقامات عمومی در نظام حقوق اساسی ایران؛ رویکرد اطلاق‌انگار و تحدیدی» (۱۴۰۰) به ماهیت استعفا از حیث عقد یا ایقاع بودن پرداخته شده و مبانی فقهی استعفا مورد بررسی قرار گرفته و به شرایط و آیین استعفای شخص رئیس‌جمهور به طور خاص چندان پرداخته نشده است.

اما واقعیت این است که آیا طبق قانون اساسی رئیس‌جمهور می‌تواند تحت هر شرایطی استعفای خود را تقدیم کند و هیچ ضابطه مشخصی بر آن حاکم نباشد؟ ضوابطی که رهبری می‌تواند در پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور در نظر بگیرد چه مواردی را می‌تواند در برگیرد؟ آیا دیگر نظام‌های سیاسی موجود پاسخی برای این سؤالات دارند؟ در این پژوهش درصدد آنیم تا با بررسی تطبیقی قوانین اساسی کشورهای مختلف، در صورت امکان، الگویی برای شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ایران بیابیم و بر این اساس، با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعه تطبیقی، هر یک از دو موضوع شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور را در دو گفتار مورد بررسی قرار دهیم و سپس آموزه‌های تطبیقی برای نظام سیاسی ایران را در نتیجه‌گیری ارزیابی کنیم.

۱. شرایط استعفا

«حکمرانی سیاسی متجلی در فرد حاکم به انحای مختلف خاتمه می‌یابد؛ از جمله عزل، انزال، استعفا» (صفایی آوندری و قائمی‌خرق، ۱۴۰۰: ۲۴۰). در نظام‌های سیاسی مختلف رویکردهای متفاوتی به مقوله استعفای مقامات و کارگزاران عالی حکومتی و از جمله رئیس‌جمهور اتخاذ شده است. جایگاه رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی کشور در غالب کشورها اقتضای آن را دارد که مانند پادشاه در برخی دیگر از نظام‌ها از وضعیت باثباتی برخوردار باشد و کنار رفتن وی از مسند قدرت در شرایط خاصی صورت گیرد (Köker & Carstens, 2021: 245). از این رو، تعیین قطعی مدت دوره ریاست‌جمهوری در قوانین اساسی کشورها ثبات قابل توجهی برای افرادی که در چنین جایگاهی قرار می‌گیرند فراهم می‌آورد و این در حالی است که نخست‌وزیر در نظام‌های پارلمانی اساساً از چنین ثباتی برخوردار نیست و هر آن در معرض استیضاح و رأی عدم اعتماد پارلمان به وی و کابینه‌اش قرار دارد. این موضوع در مواردی که کشور دستخوش بحران‌های سیاسی می‌شود اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زیرا در چنین مواردی پاسخ غالب رؤسای جمهور حفظ موقعیت خود با اعلام وضعیت اضطراری و برقراری برخی محدودیت‌های فوق‌العاده است و خود را، برخلاف نخست‌وزیران، در معرض برکناری نمی‌بینند. با این حال استعفا و کناره‌گیری شخص رئیس‌جمهور یکی دیگر از واکنش‌هایی است که چه‌بسا قهراً در چنین مواردی می‌توان انتظار داشت (Rosenfeld & Sajó, 2012: 570). در کنار این موارد استعفای اجباری، گاه ناکام ماندن رئیس‌جمهور در برآورده ساختن تعهدات و وعده‌هایش به مردم می‌تواند زمینه‌های اخلاقی کناره‌گیری او از مسند قدرت را فراهم آورد. در مقابل، همین قول و تعهد رئیس‌جمهور برای محقق ساختن برنامه‌های پیشنهادی‌اش که موجب کسب آرای مردم شده عاملی است که رئیس‌جمهور را برای تداوم مسئولیت ترغیب می‌کند (Dobel, 2012: 254). با توجه به استثنایی بودن استعفا و کناره‌گیری رئیس‌جمهور از مسند قدرت، معمولاً در خصوص استعفای وی و شرایط آن در قوانین اساسی اشاراتی بسیار موجز و مختصر می‌توان مشاهده کرد؛ حتی در قانون اساسی کوبا، هرچند از غیبت یا بیماری یا فوت رئیس‌جمهور و همچنین از «غیبت قطعی» در ماده ۱۳۱ این قانون سخن به میان آمده، درباره استعفا هیچ اشاره‌ای نشده است.^۱ در قانون اساسی فنلاند هم به استعفای رئیس‌جمهور پرداخته نشده و تنها

در ماده ۵۵ آن مقرر شده اگر رئیس‌جمهور فوت کند یا دولت اعلام کند رئیس‌جمهور به طور دائم قادر به انجام دادن وظایف ریاست‌جمهوری خود نیست در اسرع وقت باید رئیس‌جمهور جدید تعیین شود.^۲ در ماده ۵۷ قانون اساسی آلمان نیز، بدون هیچ اشاره‌ای به استعفای رئیس‌جمهور فدرال، صرفاً اشاره شده که اگر رئیس‌جمهور از انجام دادن وظایف خود ناتوان شود یا اگر پست وی به طور غیر موقت خالی بماند، رئیس بوندسرات به جای وی به انجام وظیفه می‌پردازد.^۳ در ماده ۷ قانون اساسی فرانسه نیز به طور مشابه صرفاً مقرر شده که اگر پست ریاست‌جمهوری به هر دلیلی خالی بماند یا شورای قانون اساسی حسب ارجاع از سوی دولت با اکثریت مطلق اعضا حکم به ناتوانی رئیس‌جمهور صادر کند، وظایف رئیس‌جمهور به استثنای موارد یادشده در مواد ۱۱ و ۱۲ به طور موقت توسط رئیس مجلس سنا و در غیاب وی توسط دولت انجام خواهد شد.^۴ در ماده ۱۰۶ قانون اساسی ترکیه هم بدون اشاره صریح به استعفای رئیس‌جمهور مقرر شده اگر پست ریاست‌جمهوری به هر دلیلی خالی بماند، معاون رئیس‌جمهور جای وی را می‌گیرد.^۵

در ماده ۷۱ قانون اساسی کره جنوبی نیز مشابه احکام یادشده را می‌توان مشاهده کرد؛ با این تفاوت که در مواردی که پست ریاست‌جمهوری خالی بماند یا رئیس‌جمهور به هر دلیلی قادر به انجام دادن وظایف خود نباشد نخست‌وزیر یا دیگر اعضای شورای وزیران بنا به اولویتی که به موجب قانون تعیین می‌شود به جای وی انجام وظیفه می‌کنند.^۶

در مقابل این رویکرد به مقوله استعفای رئیس‌جمهور، طیفی از رویکردهای متفاوت به این موضوع را در قوانین اساسی دیگر کشورها می‌توان مشاهده کرد. یکی از این رویکردها آن است که صرفاً امکان استعفای رئیس‌جمهور به صراحت در قانون اساسی پیش‌بینی شده، لکن برای آن شرایط خاصی منظور نشده است. مثلاً، در بند ۲ ماده ۹۲ قانون اساسی روسیه، در کنار ناتوانی دائمی ناشی از عدم سلامت برای اعمال اختیارات و گذارشده به رئیس‌جمهور و آیین تعقیب و محاکمه، از استعفا به عنوان یکی از شیوه‌های توقف اعمال قدرت رئیس‌جمهور یاد شده است.^۷ در جزء ۶ بند ۲ ماده ۲ و بند ۱ متمم ۲۵ قانون اساسی ایالات متحده هم به امکان استعفای رئیس‌جمهور و جانشینی معاون وی اشاره شده، بدون آنکه شرایط خاصی را برای کناره‌گیری رئیس‌جمهور در نظر بگیرد.^۸ در بند ۱ ماده ۶۶ قانون اساسی قرقیزستان نیز از استعفا بنا به درخواست شخصی به عنوان یکی از سازکارهای خاتمه دوره ریاست‌جمهوری

سخن به میان آمده است.^۹ در ماده ۱۳۱ قانون اساسی لهستان نیز به امکان استعفای رئیس‌جمهور اشاره شده و در ماده ۱۴۴ این قانون آمده هرچند احکام و فرمان‌های رئیس‌جمهور در این کشور برای رسمیت یافتن نیازمند امضای نخست‌وزیر است و با این امضا نخست‌وزیر مسئولیت آن را در برابر مجلس نمایندگان می‌پذیرد، نامه استعفای رئیس‌جمهور از مواردی است که طبق بند ۳ ماده یادشده از شرط امضای نخست‌وزیر مستثناست.^{۱۰}

رویکرد دیگری که در رابطه با استعفای رئیس‌جمهور می‌توان بدان اشاره کرد اعلام استعفا از سوی رئیس‌جمهور به برخی مراجع بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به ضرورت رد یا تصویب از سوی مراجع یادشده و بدون هیچ‌گونه ضابطه یا شرایط خاص است. طبق ماده ۱۴۲ قانون اساسی ارمنستان، رئیس‌جمهور استعفای خود را به مجلس ملی ارائه می‌کند و استعفا از لحظه ابلاغ به ترتیب مقرر در قانون پذیرفته شده قلمداد می‌شود.^{۱۱} در ماده ۶۱ قانون اساسی چک مقرر شده رئیس‌جمهور با تقدیم استعفای خود به رئیس مجلس سنا از سمت خود کناره‌گیری می‌کند و بدین ترتیب طبق ماده ۶۶ بخش عمده‌ای از اختیارات وی به نخست‌وزیر واگذار می‌شود.^{۱۲} بر اساس ماده ۹۷ قانون اساسی کرواسی، استعفای رئیس‌جمهور باید به رئیس دادگاه قانون اساسی تقدیم و به رئیس پارلمان این کشور اعلام شود.^{۱۳} طبق بند ۶ ماده ۱۰۳ قانون اساسی اسلواکی، رئیس‌جمهور می‌تواند هر زمان استعفای خود را اعلام کند و البته دوره مسئولیت وی از زمانی خاتمه می‌یابد که وی استعفای خود را از طریق یک اخطار کتبی به رئیس دادگاه قانون اساسی جمهوری اسلواکی اعلام کند.^{۱۴} به موجب ماده ۱۰۹ قانون اساسی اوکراین نیز استعفای رئیس‌جمهور از زمانی نافذ خواهد بود که وی شخصاً بیانیه استعفای خود را در نشست مجلس این کشور اعلام کند.^{۱۵}

در ماده ۴۹ قانون اساسی سیرالئون از امکان استعفای رئیس‌جمهور طی نامه‌ای خطاب به رئیس دادگستری این کشور یاد شده که البته رونوشت آن برای رئیس مجلس و رئیس کمیسیون انتخابات ارسال می‌شود.^{۱۶} در جزء «ب» بند ۱ ماده ۴۴ قانون اساسی قبرس از امکان استعفای کتبی رئیس‌جمهور طی نامه‌ای خطاب به مجلس نمایندگان سخن به میان آمده که توسط رئیس مجلس دریافت می‌شود.^{۱۷} در بند ۳ ماده ۴۴ قانون اساسی پاکستان از استعفای کتبی رئیس‌جمهور طی نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس ملی یاد شده که تا انتخاب رئیس‌جمهور جدید جانشین وی خواهد بود؛ اما شرط خاصی در این باره در نظر گرفته نشده

است.^{۱۸} طبق ماده ۱۳۱ قانون اساسی پرتغال مقرر شده رئیس‌جمهور از طریق ارسال پیامی به مجلس نمایندگان از سمت خود استعفا دهد، لکن این استعفا زمانی نافذ خواهد بود که مجلس نمایندگان از آن مطلع شود و متعاقباً در روزنامه رسمی کشور منتشر شود؛ هرچند انتشار پیام استعفا شرط نفوذ آن قلمداد نمی‌شود.^{۱۹} بر اساس بند ۱ ماده ۷۵ قانون اساسی عراق، رئیس‌جمهور از حق تسلیم کتبی استعفای خود به رئیس مجلس نمایندگان برخوردار دانسته شده؛ لکن این شرط در نظر گرفته شده که استعفا با گذشت هفت روز از تاریخ تقدیم آن به مجلس نمایندگان معتبر قلمداد می‌شود.^{۲۰} در بند ۱ ماده ۹۶ قانون اساسی زیمبابوه استعفای کتبی رئیس‌جمهور که به رئیس مجلس این کشور تقدیم می‌شود باید در اسرع وقت و در هر حال ظرف بیست و چهار ساعت توسط رئیس مجلس به اطلاع عموم برسد.^{۲۱} در مقابل، طبق مواد ۱۱۶ و ۱۱۷ قانون اساسی صربستان، رئیس‌جمهور، پس از تقدیم استعفای خود به رئیس مجلس شورای ملی، خودش باید مراتب را به مردم هم اطلاع دهد و بدین ترتیب از همان روز استعفا دوره مأموریت وی خاتمه می‌یابد.^{۲۲}

رویکرد چهارم به مقوله استعفای رئیس‌جمهور و شرایط آن اعلام استعفای رئیس‌جمهور و متعاقب آن اعلام خلأ در پست ریاست‌جمهوری از سوی برخی مراجع است، بدون اینکه حسب عبارت‌پردازی قوانین اساسی این دسته از کشورها مراجع یادشده در مقام تأیید یا رد استعفای رئیس‌جمهور برآیند. مثلاً، در مصر، طبق ماده ۱۵۸ قانون اساسی این کشور، رئیس‌جمهور می‌تواند استعفای خود را به مجلس نمایندگان تقدیم کند و در صورت منحل بودن مجلس آن را به هیئت عمومی دادگاه عالی قانون اساسی تقدیم می‌کند. پس از آن، بر اساس ماده ۱۶۰، مجلس نمایندگان و اگر مجلس منحل بوده باشد هیئت عمومی دادگاه عالی قانون اساسی خلأ پست ریاست‌جمهوری را اعلام می‌کند تا بدین ترتیب فرایند کفالت رئیس‌جمهور و انتخاب رئیس‌جمهور جدید آغاز شود.^{۲۳} به موجب ماده ۸۴ قانون اساسی تونس نیز رئیس‌جمهور استعفای کتبی خود را به رئیس دادگاه قانون اساسی تقدیم می‌کند و متعاقب آن دادگاه تشکیل جلسه می‌دهد و با تأیید غیبت دائمی رئیس‌جمهور مراتب را به رئیس مجلس نمایندگان اعلام می‌کند تا وی به طور موقت و تا برگزاری انتخابات جدید عهده‌دار وظایف رئیس‌جمهور شود.^{۲۴} طبق ماده ۹۸ قانون اساسی الجزایر، در صورت استعفا و همچنین فوت رئیس‌جمهور، دادگاه قانون اساسی تشکیل جلسه می‌دهد و خلأ دائمی

رئیس‌جمهور را تأیید می‌کند. این دادگاه باید مراتب را سریعاً از طریق اعلامیه‌ای به پارلمان جهت تشکیل جلسه اطلاع دهد.^{۲۵}

اما پنجمین رویکرد منوط شدن استعفا به پذیرش یا رد از سوی مرجعی دیگر است که در این زمینه نیز می‌توان رویکردهای متفاوتی را در قوانین اساسی کشورها مشاهده کرد. قریب به اتفاق کشورهای امریکای لاتین و امریکای جنوبی، بدون اینکه شرایط خاصی را برای تأیید یا رد استعفای رئیس‌جمهور توسط پارلمان مقرر داشته باشند، آن را در صلاحیت مرجع یادشده قلمداد کرده‌اند. در بند ۱ ماده ۱۷۳ قانون اساسی کلمبیا، پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی از صلاحیت‌های مجلس سنا قلمداد شده است؛^{۲۶} حال آنکه طبق بند ۲ ماده ۱۴۵ قانون اساسی اکوادور^{۲۷} و بند ۲ ماده ۱۶۱ قانون اساسی پاناما^{۲۸} در بیان صلاحیت‌های مجلس ملی از آن یاد شده است. همچنین در بند ۵ ماده ۱۳۱ قانون اساسی السالوادور اتخاذ تصمیم در مورد مرخصی و استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی از صلاحیت‌های مجلس قانون‌گذاری این کشور به شمار می‌آید.^{۲۹} در بند ۳ ماده ۱۱۳ قانون اساسی پرو برکناری رئیس‌جمهور در اثر استعفا به پذیرش آن از سوی کنگره منوط شده است.^{۳۰} در بند ۱۶ ماده ۲۰۲ قانون اساسی پاراگوئه، پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی در صلاحیت کنگره قلمداد شده است.^{۳۱} در بند C ماده ۱۶۵ قانون اساسی گواتمالا به اتخاذ تصمیم مبنی بر پذیرش یا عدم پذیرش استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی و تأیید صحت استعفای مربوطه به عنوان صلاحیت کنگره اشاره شده است.^{۳۲} در بند ۱۲ ماده ۲۰۵ قانون اساسی هندوراس یکی از صلاحیت‌های کنگره پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور و سه جانشین احتمالی وی و همچنین پر کردن خلأ وجود آن‌ها در صورت غیبت دائمی‌شان بیان شده است.^{۳۳} در ماده ۱۴۹ قانون اساسی نیکاراگوئه، با تفکیک بین مصادیق غیبت موقتی و دائمی رئیس‌جمهور، از استعفا در صورت پذیرش مجلس ملی به عنوان یکی از مصادیق غیبت دائمی یاد شده است.^{۳۴} در بند ۳ ماده ۱۶۱ قانون اساسی بولیوی نیز مقرر شده پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی از صلاحیت‌های اجلاسیه مشترک مجلسین نمایندگان و سنا (مجمع قانون‌گذاری) است.^{۳۵} در بند ۳ ماده ۱۲۰ قانون اساسی جمهوری دومینیکن، پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی از صلاحیت‌های مجمع ملی برشمرده شده و در ماده ۱۳۲ مقرر شده آن‌ها تنها در نزد مجمع ملی می‌توانند کناره‌گیری کنند.^{۳۶}

در کنار این گروه از کشورهای امریکایی به ماده ۸۷ قانون اساسی بلاروس نیز باید اشاره کرد که مقرر داشته رئیس‌جمهور می‌تواند هر زمان استعفا دهد، ولی استعفای وی باید از سوی مجلس نمایندگان مورد پذیرش قرار گیرد. در بند ۸ ماده ۹۷ قانون اساسی این کشور نیز از پذیرش استعفای رئیس‌جمهور به عنوان یکی از صلاحیت‌های مجلس نمایندگان یاد شده است.^{۳۷} همچنین در بند ۲ ماده ۹۰ قانون اساسی مولداوی مقرر شده درخواست استعفای رئیس‌جمهور در پارلمان مطرح می‌شود تا پارلمان نظر خود را در مورد آن اعلام کند.^{۳۸} طبق ماده ۷۱ قانون اساسی تاجیکستان، اختیارات رئیس‌جمهور با اعلام استعفای وی در اجلاس مشترک مجلس ملی و مجلس نمایندگان و در صورتی که اکثریت هر یک از این دو مجلس رأی به پذیرش استعفا بدهند خاتمه می‌یابد.^{۳۹}

در قانون اساسی سابق مجارستان، مصوب ۱۹۴۹، در جزء e بند ۱ ماده ۳۱ از استعفا به عنوان یکی از موجبات خاتمه دوران ریاست‌جمهوری یاد شده و در بند ۳ این ماده مقرر شده بود رئیس‌جمهور می‌تواند با تقدیم یک بیانیه به پارلمان از پست خود کناره‌گیری کند. استعفای رئیس‌جمهور باید از طرف پارلمان مورد پذیرش قرار می‌گرفت تا استعفا رسمیت و اعتبار پیدا می‌کرد. پارلمان می‌توانست از رئیس‌جمهور بخواهد ظرف مدت پانزده روز تصمیم خود را مورد تجدیدنظر قرار دهد. ولی چنانچه رئیس‌جمهور بر تصمیم خود اصرار می‌کرد پارلمان دیگر نمی‌توانست از تأیید استعفا خودداری کند.^{۴۰}

آنچه در قوانین اساسی یادشده مورد اشاره قرار گرفته، اگرچه حاکی از نظارت استصوابی پارلمان در زمینه درخواست استعفای رئیس‌جمهور است، هیچ اشاره صریح و روشنی به این ندارد که پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور ناظر بر رعایت مسائل شکلی و آیینی است یا اینکه پارلمان موضوع را مورد رسیدگی ماهیتی قرار می‌دهد. در این زمینه، برخی دیگر از کشورها صراحت بیشتری در قانون اساسی خود اختیار کرده‌اند. در بند ۲۱ ماده ۷۵ قانون اساسی آرژانتین بر این نکته تأکید شده که کنگره از صلاحیت پذیرش یا رد «دلایل» استعفای رئیس‌جمهور یا معاون وی و اعلام ضرورت برگزاری انتخابات جدید برخوردار است. بر این اساس، رئیس‌جمهور لزوماً باید دلایل خود را برای استعفا بیان کند و کنگره دلایل مطرح‌شده را مورد رسیدگی قرار دهد.^{۴۱} در شیلی، طبق بند ۷ ماده ۵۳ قانون اساسی، مجلس سنای این کشور از این صلاحیت برخوردار است که در صورت استعفای رئیس‌جمهور از سمت خود

بررسی و اعلام کند که آیا انگیزه‌هایی که موجب استعفا شده موجه است یا نه و در نتیجه آن را می‌پذیرد یا رد می‌کند. البته در این زمینه دادگاه قانون اساسی باید قبل از مجلس سنا موضوع را مورد بررسی قرار دهد و اعلام نظر کند.^{۴۲}

در بند ۲۷ ماده ۷۳ قانون اساسی مکزیک^{۴۳}، پذیرش استعفای رئیس‌جمهور به عنوان یکی از صلاحیت‌های کنگره مورد اشاره قرار گرفته و در ماده ۸۶ مقرر شده رئیس‌جمهور می‌تواند تنها در صورت وجود یک «عامل جدی»، که باید از سوی کنگره مورد بررسی قرار گیرد، از سمت خود کنار برود. با این توصیف، شاید مقررۀ اخیر را بتوان سختگیرانه‌ترین مقررۀ قانون اساسی در رابطه با پذیرش استعفای رئیس‌جمهور دانست. با این حال، تعریفی از این عامل جدی در قانون اساسی این کشور نمی‌توان یافت، جز اینکه در ماده ۹۸ قانون اساسی مکزیک پذیرش استعفای قضات از سوی رئیس‌جمهور منوط به «تخلف شدید» شده است.

جدا از رویکردهای مختلفی که به آن‌ها اشاره شد، در برخی موارد در قوانین اساسی، در کنار استعفای داوطلبانۀ رئیس‌جمهور، مواردی از استعفای قهری وی نیز مورد شناسایی قرار گرفته که در چنین مواردی رئیس‌جمهور یا ناگزیر به استعفا می‌شود یا در وضعیتی قرار می‌گیرد که در حکم استعفا قلمداد می‌شود. مثلاً، طبق ذیل ماده ۹۹ قانون اساسی تونس، چنانچه مجلس نمایندگان دو بار به دولت رأی اعتماد ندهد، رئیس‌جمهور مستعفی قلمداد می‌شود.^{۴۴} بر اساس بند ۲ ماده ۱۰۲ قانون اساسی آفریقای جنوبی، اگر مجلس ملی این کشور با رأی اکثریت اعضا به رئیس‌جمهور رأی عدم اعتماد بدهد، رئیس‌جمهور و سایر اعضای کابینه و معاونین وزرا باید از مقام خود استعفا بدهند.^{۴۵}

همچنین، جدا از اینکه به موجب مواد ۱۱۶ و ۱۳۰ قانون اساسی آنگولا^{۴۶} رئیس‌جمهور می‌تواند با ارسال پیامی خطاب به مجلس ملی و همچنین با اعلام به دادگاه قانون اساسی از سمت خود کناره‌گیری کند و در این صورت خلأ پست ریاست‌جمهوری توسط دادگاه قانون اساسی مطابق با قانون اساسی و قانون عادی تأیید و اعلام می‌شود، طبق ماده ۱۲۸ قانون اساسی، در صورت بروز هر گونه اختلال جدی در عملکرد عادی مجلس ملی یا وقوع هر بحران غیر قابل جبران در روابط نهادی با مجلس ملی، رئیس‌جمهور می‌تواند با ارسال پیامی خطاب به مجلس ملی و همچنین اعلام به دادگاه قانون اساسی از لحاظ سیاسی استعفا دهد. استعفای سیاسی که در واقع نوعی استعفای تحت فشار است طبق بند دیگری از همین ماده

منجر به منحل شدن مجلس ملی و برگزاری انتخابات عمومی زودهنگام می‌شود که باید ظرف مدت نود روز برگزار شود. در ضمن رئیس‌جمهوری که طبق شرایط ماده ۱۲۸ استعفا داده است تا زمان تحلیف رئیس‌جمهور منتخب بعدی کماکان جهت انجام دادن کارهای مدیریتی روزانه در سمت خود باقی خواهد ماند.

در قانون اساسی آذربایجان، رسیدن رئیس‌جمهور به سن بازنشستگی از اسباب کناره‌گیری قهری وی قلمداد می‌شود و در بند ۲ ماده ۱۰۴ قانون اساسی آذربایجان مقرر شده که در چنین حالتی رئیس‌جمهور باید درخواست خود را تقدیم دادگاه قانون اساسی کند و دادگاه با احراز اینکه رئیس‌جمهور شخصاً درخواست را ارسال کرده در مورد موافقت با کناره‌گیری وی تصمیم‌گیری می‌کند و بدین ترتیب رئیس‌جمهور به دلیل بازنشسته شدن، بنا به درخواست خود، از سمتش کناره‌گیری می‌کند.^{۴۷}

در نظام حقوقی ایران، با توجه به جایگاه رئیس‌جمهور در سلسله مراتب مقامات سیاسی که مقام اول سیاسی کشور قلمداد نمی‌شود و طبق اصل ۵۷ قانون اساسی تحت نظارت مقام رهبری است و بر اساس اصل ۱۲۲ در برابر رهبری مسئول قلمداد می‌شود، در اصل ۱۳۰ شرایط متفاوتی برای استعفای رئیس‌جمهور تعیین شده است. با توجه به سکوت قانون اساسی، به نظر می‌رسد وی می‌تواند در هر شرایطی استعفای خود را به رهبر تقدیم کند و این رهبر است که چه‌بسا به قرینه آنچه در بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده می‌تواند «با در نظر گرفتن مصالح کشور» با استعفای رئیس‌جمهور موافقت یا آن را رد کند و اگر چنین برداشتی را بتوان از قانون اساسی داشت، در واقع، در نظام حقوقی ایران نیز موافقت با استعفای رئیس‌جمهور منوط به وجود «عاملی جدی» خواهد بود. این نکته را نباید در اینجا از نظر دور داشت که مقام رهبری بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی بر هر یک از قوای سه‌گانه نظارت دارد و اگر قبول استعفای رئیس‌جمهور خللی سیاسی یا حقوقی را در کشور رقم بزند، چه‌بسا رهبری می‌تواند با تشخیص وجود یا نبود چنین خللی استعفای رئیس‌جمهور را نپذیرد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۷۸). اما باید توجه داشت که عبارت «تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد» ظهور چندانی در عدم پذیرش استعفا ندارد و با این تلقی سازگار است که صرفاً می‌توان پذیرش استعفا را با در نظر گرفتن برخی عوامل، از جمله مصالح کشور، تا زمانی که تأخیر انداخت و بدین ترتیب رهبر نمی‌تواند استعفا را رد کند و رئیس‌جمهور را مجبور کند همچنان به انجام

وظایف خود ادامه دهد. البته هرچند حکم اصل ۱۳۱ قانون اساسی به گونه‌ای است که گویا با استعفای رئیس‌جمهور صرفاً کفالت وی از سوی معاون اول منوط به موافقت رهبری است و فرض بر این است که اساساً باید با استعفای وی موافقت شود، از مفاد ذیل اصل ۱۳۰ و با توجه به مطالعه تطبیقی صورت‌گرفته، چنین به نظر می‌رسد که همانند پارلمان در برخی کشورها رهبری در نظام حقوقی کشور ما از این صلاحیت برخوردار است که استعفا را با توجه به دلایل مطرح‌شده برای آن مورد بررسی قرار دهد. باید خاطر نشان کرد که اگر تصدی سمت ریاست‌جمهوری را با توجه به تنفیذ حکم توسط رهبری واگذاری شعبه‌ای از ولایت به رئیس‌جمهور از سوی رهبری و «در طول ولایت مطلقه فقیه» (الهامی و دیگران، ۱۴۰۲: ۹۴) قلمداد کنیم، سلب ولایت به سبب استعفای رئیس‌جمهور با سلب وکالت وی از سوی مردم در سایر نظام‌های سیاسی حکمی متفاوت خواهد داشت و تفویض شعبه‌ای از ولایت از سوی ولی به یک فرد با صرف استعفا قابل زوال به نظر نمی‌رسد. بر این اساس، در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، «استعفای رئیس‌جمهور عیناً بر تشریفات استعفا در عقد وکالت مطابقت ندارد. زیرا، در عقد وکالت، وکیل به صرف کناره‌گیری از سمت خود معزل می‌شود، ولو اینکه استعفای خود را به اطلاع موکل نرساند» (الهامی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۱۳) و حال آنکه طبق اصل ۱۳۰ قانون اساسی با توجه به جایگاه ولایت فقیه و نظارت عالی وی بر قوا مقرر شده استعفای رئیس‌جمهور به تأیید مقام رهبری برسد.

با توجه به آنچه گفته شد، هرچند در اصل ۱۲۲ رئیس‌جمهور در برابر مجلس شورای اسلامی و مردم مسئول قلمداد می‌شود، با وجود اینکه امکان سؤال و استیضاح رئیس‌جمهور در اصول ۸۸ و ۸۹ پیش‌بینی شده، برخلاف سایر نظام‌های سیاسی، چنین شرطی مقرر نشده که استعفای رئیس‌جمهور باید به مردم یا مجلس اعلام یا تقدیم شود یا در مجلس مورد بررسی قرار گیرد. حتی در مورد استیضاح نیز برکناری رئیس‌جمهور، در صورت رأی مجلس به برکناری وی، به نظر و تشخیص رهبری واگذار شده و صرف رأی مجلس برای این امر کفایت نمی‌کند.

نکته دیگری که در اصل ۱۳۰ و در رابطه با شرایط استعفای رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ایران قابل توجه است این است که استعفای رئیس‌جمهور صرفاً قائم به شخص وی است و دلیلی ندارد که با استعفای دولت همراه شود. در این زمینه هرچند در اصل ۱۳۵ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ مقرر شده بود «استعفای دولت به رئیس‌جمهور تسلیم می‌شود و تا تعیین دولت

جدید نخست‌وزیر به وظایف خود ادامه می‌دهد» و بدین ترتیب سخن از استعفای فردی نخست‌وزیر و ادامه کار دولت قبلی به میان نیامده بود، در اصل ۱۳۰ قانون اساسی، پس از بازنگری، از استعفای شخص رئیس‌جمهور یاد شده و در اصل ۱۳۲، نه تنها به تداوم فعالیت دولت اشاره غیر مستقیم شده، به ممنوعیت استیضاح وزرا و رأی عدم اعتماد به آنان در مدت تصدی کفالت ریاست‌جمهوری تصریح شده است. همچنین در اصل ۱۳۵ تأکید شده «هیئت‌وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد».

۲. آیین استعفای رئیس‌جمهور

آیین استعفای رئیس‌جمهور بسته به اینکه استعفا جنبه اعلامی داشته باشد یا با استصواب همراه باشد می‌تواند متفاوت باشد. در رابطه با اعلامی بودن نیز اینکه باید به چه مرجع و نهادی و چگونه و با چه وسیله‌ای اعلام شود آیین استعفا را می‌تواند با تفاوت‌هایی همراه سازد. با این حال تتبع در قوانین اساسی کشورهای مختلف نشان می‌دهد این قوانین کمتر به آیین استعفا اشاره کرده‌اند و صرفاً در قوانین اساسی برخی کشورها نکاتی شکلی در این زمینه بیان شده و بیشتر به آیین جانشینی رئیس‌جمهور پرداخته شده است. در محدود قوانین اساسی نیز می‌توان پاسخی برای مواجهه با این سؤال یافت که استعفای رئیس‌جمهور از چه زمان معتبر قلمداد می‌شود.

در بخش عمده‌ای از قوانین اساسی کشورهایی که به استعفای رئیس‌جمهور با رویکرد اعلامی نگریده‌اند از اعلام استعفا به پارلمان سخن به میان آمده است. اما در مواردی برخی دیگر از نهادها، چه به عنوان مرجع دست اول و چه به عنوان نهاد جانشین پارلمان، مخاطب اعلام استعفا از سوی رئیس‌جمهور قلمداد شده‌اند. در مواردی هم در قوانین اساسی به اعلام عمومی استعفا به مردم اشاره شده که البته باز هم در این زمینه دو رویکرد را می‌توان ملاحظه کرد: اعلام عمومی از سوی شخص رئیس‌جمهور مستعفی یا اعلام آن از سوی مرجعی دیگر.

بدین ترتیب، درحالی‌که در جزء «ب» بند ۱ ماده ۴۴ قانون اساسی قبرس و بند ۱ ماده ۱۴۶ قانون اساسی کنیا^{۴۸} از اعلام کتبی استعفای رئیس‌جمهور خطاب به مجلس نمایندگان سخن به میان آمده است یا در بند ۱ ماده ۹۶ قانون اساسی زیمبابوه از اخطار کتبی به رئیس‌مجلس یاد شده، در بند ۳ ماده ۴۴ قانون اساسی پاکستان، در کنار کتبی بودن استعفا، بر این نکته تأکید شده که استعفا باید به‌موجب دستخط شخص رئیس‌جمهور خطاب به رئیس‌مجلس ملی

صورت پذیرد و در جزء «ب» بند ۱ ماده ۲۲-ل قانون اساسی سنگاپور تصریح شده استعفا باید با دستخط شخصی رئیس‌جمهور خطاب به نخست‌وزیر باشد. ۴۹ یا در ماده ۱۰۹ قانون اساسی اوکراین به این مطلب اشاره شده که رئیس‌جمهور باید شخصاً در نشست مجلس اوکراین بیانیه استعفای خود را اعلام کند. همچنین درحالی‌که طبق ماده ۸۴ قانون اساسی تونس استعفای کتبی رئیس‌جمهور باید بدو به رئیس دادگاه قانون اساسی تحویل داده شود و پس از تأیید مراتب غیبت دائمی رئیس‌جمهور از سوی این دادگاه موضوع به رئیس مجلس نمایندگان اعلام شود تا وی به طور موقت عهده‌دار وظایف رئیس‌جمهور شود، به موجب ماده ۱۵۸ قانون اساسی مصر رئیس‌جمهور در وهله اول استعفای خود را به مجلس نمایندگان و اگر مجلس منحل باشد آن را به هیئت عمومی دادگاه قانون اساسی تقدیم می‌کند. مورد دیگر اینکه درحالی‌که طبق ماده ۹۷ قانون اساسی کرواسی استعفای رئیس‌جمهور باید به رئیس دادگاه قانون اساسی تقدیم و به رئیس پارلمان کرواسی اعلام شود، بر اساس ماده ۴۹ قانون اساسی سیرالئون رئیس‌جمهور استعفای خود را به رئیس دادگستری تقدیم و رونوشت آن را برای رئیس مجلس و رئیس کمیسیون انتخابات ارسال می‌کند.

درباره اعلام عمومی و مردمی استعفا، درحالی‌که طبق مواد ۱۱۶ و ۱۱۷ قانون اساسی صربستان رئیس‌جمهور باید علاوه بر تقدیم استعفای خود به رئیس مجلس شورای ملی مراتب را به مردم اطلاع دهد، به موجب ماده ۴۱ قانون اساسی سنگال^{۵۰} استعفای رئیس‌جمهور پس از ایفاد آن به شورای قانون اساسی توسط این مرجع اعلام می‌شود یا بر اساس بند ۱ ماده ۹۶ قانون اساسی زیمبابوه استعفای رئیس‌جمهور باید در اسرع وقت و در هر صورت ظرف بیست و چهار ساعت توسط رئیس مجلس به اطلاع عموم برسد.

در مقابل، در رویکرد دیگری که به مقوله استعفای رئیس‌جمهور وجود دارد و آن را منوط به تصویب مرجعی کرده که در غالب موارد آن مرجع پارلمان آن کشور است، در قوانین اساسی به آیین خاص برای بررسی و تصویب درخواست استعفای رئیس‌جمهور چندان اشاره نشده است. همچنان که در گفتار قبل اشاره شد، غالباً قوانین اساسی به این موضوع اشاره کرده‌اند که پارلمان باید درخواست استعفا را مورد بررسی و تصویب قرار دهد. اما به وجود نصاب به‌خصوصی برای پذیرش استعفا یا الزام رئیس‌جمهور به شرکت در جلسه بررسی درخواست استعفا و دفاع از دلایل خود برای این اقدام اشاره نشده است. چه‌بسا چنین مواردی

به قانون داخلی یا آیین‌نامه پارلمان واگذار شده باشد؛ لکن عدم اشاره به آن در قانون اساسی حاکی از نوعی عدم حساسیت زیاد به مقوله استعفای رئیس‌جمهور است. با این حال، هرچند همچنان که اشاره شد در برخی قوانین اساسی کشورهای مختلف رویکرد به مقوله استعفا مبتنی بر ضرورت تصویب آن از سوی مجلس نمایندگان این کشور است، در برخی دیگر از کشورها، از جمله بند ۱ ماده ۱۷۳ قانون اساسی کلمبیا، پذیرش یا رد استعفای رئیس‌جمهور و معاون وی از صلاحیت‌های مجلس سنا قلمداد شده و در برخی دیگر نیز منوط به تصویب در اجلاس مشترک دو مجلس شده است؛ مانند بولیوی که آن را در بند ۳ ماده ۱۶۱ قانون اساسی خود مورد اشاره قرار داده یا تاجیکستان که به موجب ماده ۷۱ قانون اساسی مقرر داشته اختیارات رئیس‌جمهور با اعلام استعفای وی در اجلاس مشترک مجلس ملی و مجلس نمایندگان و در صورتی که اکثریت هر یک از این دو مجلس رأی به پذیرش استعفا بدهند خاتمه می‌یابد.

با این همه نمی‌توان از تجربه قضایی فیلیپین در این زمینه یاد نکرد. در این کشور، بنا بر رأی دیوان عالی، این رویکرد شکل گرفته که در خصوص استعفای رئیس‌جمهور نیازی به اعلامیه کتبی نیست. تنها شرطی که لازم است قصد کناره‌گیری و اقدامات مربوط به استعفا است. چون بنا به رأی یادشده در خصوص پرونده جوزف استرادا، سیزدهمین رئیس‌جمهور فیلیپین، در مقابل گلوریا ماکاپاگال آریو، چهاردهمین رئیس‌جمهور فیلیپین، در ۲۰ ژانویه سال ۲۰۰۱، اگر قصد و نیتی مبنی بر استعفا وجود داشته باشد و این قصد و نیت با اقداماتی مرتبط با کناره‌گیری از سمت همراه باشد باید به آن ترتیب اثر قانونی داده شود. بدین ترتیب برای اینکه استعفا اعتبار داشته باشد نیازی نیست حتماً صورت و وجهه رسمی داشته باشد یا به صورت کتبی باشد بلکه می‌تواند شفاهی باشد یا حتی به صورت ضمنی به آن اشاره کرد.^{۵۱}

در اصل ۱۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آیین خاصی برای اعلام استعفای رئیس‌جمهور اشاره نشده و صرفاً از عبارت‌پردازی کوتاه این اصل که به تقدیم استعفا به رهبری حکایت دارد چنین آشکار می‌شود که استعفا باید به صورت کتبی و طی نامه‌ای رسمی اعلام شود و اعلام استعفا از طریق رسانه‌های گروهی یا جراید و دیگر مجاری و ابزار اعلامی از مفاد این اصل برنمی‌آید. همچنین برخلاف استیضاح، که از مجرای مجلس شورای اسلامی و با تصویب آن صورت می‌گیرد، در استعفا سخنی از موافقت مجلس با درخواست

رئیس‌جمهور به میان نیامده و حتی منوط به تشخیص مصلحت از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام نشده است. همچنین در اصل یادشده تأکید شده تا زمانی که استعفای رئیس‌جمهور از سوی رهبری پذیرفته نشده است وی به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد و در خصوص نحوه پذیرش استعفا هیچ آیین مشخصی بیان نشده است؛ هرچند پذیرش رسمی و کتبی این موضوع دور از انتظار نیست. همچنین برخلاف جزء ۱ ماده ۳۱ قانون اساسی سابق مجارستان^{۵۲}، که به موضوع درخواست پارلمان مبنی بر تجدیدنظر رئیس‌جمهور در درخواست استعفای خود و الزام به تأیید استعفا در صورت اصرار رئیس‌جمهور بر این موضوع اشاره شده، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع اشاره نشده و چنین به نظر می‌رسد که گویی اصل بر این گذاشته شده که چنانچه مقام رهبری با درخواست استعفا موافقت نکند رئیس‌جمهور تکلیف به ادامه مسئولیت خود دارد.

در این زمینه نمی‌توان این نکته را از خاطر دور داشت که مسئولیت ریاست‌جمهوری در نظام جمهوری اسلامی، با توجه به تنفیذ حکم رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری، به نوعی حکم و تکلیفی شرعی نیز قلمداد می‌شود (الهامی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۸) که تا مقام رهبری، که آن را به عنوان شعبه‌ای از ولایت به رئیس‌جمهور واگذار کرده، از شخص مورد اشاره ساقط نسازد همچنان به قوت خود باقی است و استنکاف فرد از ادای تکلیف شرعی خود غیر قابل قبول است و ید امانی وی را به ید ضمانی مبدل می‌سازد. البته این نظر وجود دارد که تنها ولی فقیه به عنوان حاکم اصلی ملزم به پایبندی به امانتداری است که نمی‌تواند در صورت وجود شرایط حکمرانی از منصب خود کناره‌گیری کند. چون بنا به جهات «تعاون به بر»، «وجوب نفی ضرر احتمالی از دین و جامعه»، «اهتمام به امور مسلمین» ترک امر حکمرانی از سوی وی متضمن ضمان خواهد بود (قائمی و درخشان، ۱۴۰۰: ۱۷۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به مفاد اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی، پایان دوره ریاست‌جمهوری مانند سایر مناصب عمومی لزوماً با انقضای مدت زمان قانونی مسئولیت همراه نیست، بلکه در کنار پایان طبیعی دوره ممکن است در اثر عوامل دیگری، نظیر عزل و استعفا، دوره مسئولیت رئیس‌جمهور خاتمه یابد. در رابطه با استعفای رئیس‌جمهور، در نظام‌های سیاسی مختلف، بسته به جایگاهی که این مقام در ساختار قدرت و در ارتباط با سایر قوا و مراجع موجود دارد،

رویکردهای متفاوتی به مقوله شرایط و آیین استعفا وجود دارد. در برخی نظام‌های سیاسی، اساساً اشاره مستقیمی به موضوع استعفای رئیس‌جمهور در قانون اساسی نشده و در برخی موارد استعفا با شرایط سختی همراه است که عملاً دو سوی طیفی از رویکردها به این موضوع را شکل می‌دهد. استعفای رئیس‌جمهور در مواردی صرفاً با اطلاع‌رسانی به مرجع قانون‌گذاری یا دیگر مراجع صورت می‌گیرد که البته این اطلاع‌رسانی معمولاً به سبب انجام دادن تمهیدات لازم برای تصدی کفالت رئیس‌جمهور، انتخاب رئیس‌جمهور جدید، و تنظیم امور کشور در دوران مابین استعفای رئیس‌جمهور و انتخاب رئیس‌جمهور جدید است. اما در مواردی هم استعفا باید به منظور تأیید و تصویب آن به این مراجع تقدیم شود. در چنین حالتی، استعفا را می‌توان به منزله انصراف از وکالتی دانست که مردم به طور مستقیم به رئیس‌جمهور داده‌اند و حال وی آن را با تأیید نمایندگان مردم از عهده خود خارج می‌سازد. البته در این زمینه در جریان مطالعه تطبیقی آشکار شد که رویکردهای مختلفی به این موضوع وجود دارد و درحالی‌که در برخی کشورها رئیس‌جمهور باید استعفای خود را به مجلس نمایندگان تقدیم کند در برخی دیگر این مجلس سنا به عنوان مجلس دوم این کشورهاست که باید با استعفای رئیس‌جمهور موافقت کند و بدین ترتیب پذیرش استعفا با نوعی حزم و مصلحت‌اندیشی همراه است. در مواردی هم موافقت هر دو مجلس و کسب اکثریت آرای نمایندگان این دو مجلس شرط شده و در مواردی نیز بر ذکر «دلایل جدی» برای پذیرش استعفا تأکید شده که بیانگر جایگاه قوی‌تری برای رئیس‌جمهور در چنین ساختاری از قدرت سیاسی و اهمیت دادن به موضوع کناره‌گیری رئیس‌جمهور است. در نظام حقوقی ایران نیز در اصل ۱۳۰ قانون اساسی مقرر شده «رئیس‌جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد». با این وصف، پذیرش استعفای رئیس‌جمهور در ایران منوط به پذیرش آن از سوی مقامی شده که طبق اصل ۵۷ قانون اساسی نظارت عالی بر قوای سه‌گانه را بر عهده دارد و بدین ترتیب پذیرش یا عدم پذیرش آن از سوی وی منبعت از این جایگاه تعریف می‌شود. در اصل ۱۳۰، برخلاف برخی نظام‌های سیاسی که پذیرش استعفا منوط به بیان و تأیید دلایل استعفا توسط پارلمان شده و همچنین برخلاف بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی که به «در نظر گرفتن مصالح کشور» به عنوان ملاکی برای عزل رئیس‌جمهور اشاره کرده، به شرایط و ملاک‌های خاصی برای پذیرش یا رد استعفای

رئیس‌جمهور از سوی مقام رهبری اشاره نشده است. البته مورد اخیر را می‌توان ناشی از این دانست که استعفا برخلاف عزل ناشی از اختیار شخص رئیس‌جمهور است و وادار کردن وی به ادامه مسئولیت در فرض استعفا امری تحمیلی و اجباری به شمار می‌آید. با این حال از عبارت اصل ۱۳۰ چنین آشکار می‌شود که با توجه به اینکه رئیس‌جمهور تنها وکیل و منتخب مردم نیست تا با استعفا و اعلام آن وکالت را از خود سلب کند، بلکه با توجه به تنفیذ حکم وی از سوی رهبری شعبه‌ای از ولایت به وی تفویض می‌شود، وی نمی‌تواند جز با تأیید مقام تفویض‌کننده ولایت از این حکم و تکلیف شرعی شانه خالی کند. از این رو چنانچه حفظ نظام اسلامی اقتضا کند می‌توان قائل به این شد که مقام رهبری می‌تواند بنا به مصلحت کشور در تأیید استعفای رئیس‌جمهور تأخیر روا دارد یا با انصراف رئیس‌جمهور از استعفا روند اجرایی استعفا را متوقف سازد. با این وصف، می‌توان در پرتو مطالعه تطبیقی صورت گرفته قائل به این پیشنهاد شد که هرچند قید عبارت «در نظر گرفتن مصالح کشور» در اصل ۱۳۰ چندان مناسبیتی ندارد، «وجود دلایل جدی برای استعفا» قید مناسبی است و با جایگاه رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ایران، که مبتنی بر اصل ولایت فقیه است و قوا ذیل نظارت عالیۀ این مرجع قرار دارند، می‌تواند همخوانی داشته باشد.

یادداشت‌ها

1. www.constituteproject.org/constitution/Cuba_2019
2. finlex.fi/en/laki/Kaannokset/1999/en19990731.pdf
3. www.constituteproject.org/constitution/German_Federal_republic_2012
4. www.constituteproject.org/constitution/France_2008
5. Anayasa.gov.tr/media/7258/anayasa_eng.pdf
6. ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/67127/98324/F2042155478/KOR67127%20English.pdf
7. Constitution.ru/en/10003000_05.htm
8. www.senate.gov/about/origins-foundations/senate-and-constitution/constitution.htm
9. www.constituteproject.org/constitution/Kyrgyz_Republic_2016.pdf
10. Sejm.gov.pl/prawo/konst/angielski/kon1.htm
11. www.constituteproject.org/constitution/Armenia_2015
12. https://www.constituteproject.org/constitution/Czech_Republic_2013
13. Sabor.hr/en/constitution-republic-croatia-consolidated-text
14. www.constituteproject.org/constitution/Slovakia_2017
15. Refworld.org/Pdfid/44a280124.pdf



16. www.constituteproject.org/constitution/Sierra_Leone_2008
17. www.constituteproject.org/constitution/Cyprus_2013
18. ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/33863/76773/F1453295923/PAK33863.pdf
19. www.constituteproject.org/constitution/Portugal_2005
20. www.constituteproject.org/constitution/Iraq_2005
21. www.constituteproject.org/constitution/Zimbabwe_2013
22. ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/74694/119555/F838981147/SRB74694%20Eng.pdf
23. www.constituteproject.org/constitution/Egypt_2014
24. www.constituteproject.org/constitution/Tunisia_2014
25. www.constituteproject.org/constitution/Algeria_2020
26. www.constituteproject.org/constitution/Colombia_2015
27. www.constituteproject.org/constitution/Ecuador_2021
28. www.constituteproject.org/constitution/Panama_2004
29. www.constituteproject.org/constitution/El_Salvador_2014
30. www.constituteproject.org/constitution/Peru_2021
31. www.constituteproject.org/constitution/Paraguay_2011
32. www.constituteproject.org/constitution/Guatemala_1993
33. www.constituteproject.org/constitution/Honduras_2013
34. www.constituteproject.org/constitution/Nicaragua_2014
35. www.constituteproject.org/constitution/Bolivia_2009
36. www.constituteproject.org/constitution/Dominican_Republic_2015
37. Constitutionnet.org/sites/default/files/Belarus%20constitution.pdf
38. ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/41173/119453/F1236260695/MDA41173%20Eng%202003.pdf
39. www.constituteproject.org/constitution/Tajikistan_2016
40. www2.ohchr.org/English/bodies/cescr/docs/e.c.12.hun.3-annex2.pdf
41. www.constituteproject.org/constitution/Argentina_1994
42. www.constituteproject.org/constitution/Chile_2021
43. www.constituteproject.org/constitution/Mexico_2015
44. www.constituteproject.org/constitution/Tunisia_2014
45. www.gov.za/documents/constitution-republic-south-africa-1996-chapter-5-president-and-national-executive#88
46. www.constituteproject.org/constitution/Angola_2010
47. www.constituteproject.org/constitution/Azerbaijan_2016
48. Kenyalaw.org/lex/actview.xql?actid=Const2010
49. https://adsdatabase.ohchr.org/IssueLibrary/SINGAPORE_Constitution.pdf
50. www.constituteproject.org/constitution/Senegal_2016
51. https://web.archive.org/web/20041231172731/http://www.supremecourt.gov.ph/jurisprudence/2001/mar2001/146710_15.htm
52. www2.ohchr.org/English/bodies/cescr/docs/e.c.12.hun.3-annex2.pdf

منابع و مأخذ

کتاب

- زراعت، ع.، و حاجی‌زاده، ح. ر. (۱۳۸۸). *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری دانش‌پذیر.
- عباسی، ب. (۱۳۹۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دادگستر.
- غمامی، س. م. م. (۱۳۹۰). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مهرپور، ح. (۱۳۸۷). *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دادگستر.
- هاشمی، س. م. (۱۳۸۲). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: میزان.

مقالات

- الهامی، ر.، وطنی، ز.، و میرزایی، م. (۱۴۰۲). مبنای اعتبار تصمیمات رئیس‌جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاه به نهادهای ولایت، وکالت، و بیعت. *دانش حقوق عمومی*، ۱۲(۳۹)، ۱۲۰-۹۳.
- صفایی آوندی، ح. ر.، و قائمی‌خرق، س. م. (۱۴۰۰). کناره‌گیری حاکم در حقوق عمومی اسلام؛ پی‌جویی امکان، الزامات، و اقتضائات. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۳(۲۴)، ۲۳۹-۲۶۰.
- قائم‌ی، م.، و درخشان، د. (۱۳۹۹). استعفای مقامات عمومی در نظام حقوق اساسی ایران؛ رویکرد اطلاق‌انگار و تحدیدی. *حکومت اسلامی*، ۲۵(۹۸)، ۱۷۰-۱۹۴.
- مرادی برلیان، م. (۱۳۹۲). مقام و موقعیت رئیس‌جمهور در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: معاونت تدوین، تنقیح، و انتشار قوانین و مقررات ریاست‌جمهوری، ۵۰۹-۵۲۴.
- میرمحمدی میبیدی، س. م.، و جمالی، ح. (۱۴۰۱). الزامات و آثار استیضاح و عزل رئیس‌جمهور در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. *دانش حقوق عمومی*، ۱۱(۳۵)، ۵۱-۷۲.

References

Books

- Abbasi, B. (2018). *Constitutional Law of Islamic Republic of Iran*. Tehran: Dadgostar Pub. (in Persian)

- Ghamami, S. M. M. (2011). *Constitutional Law of Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (in Persian)
- Hashemi, S. M. (2003). *Constitutional Law of Islamic Republic of Iran*. Tehran: Mizan Pub. Vol. 2. (in Persian)
- Mehrpour, H. (2008). *A Concise of Constitutional Law of Islamic Republic of Iran*. Tehran: Dadgostar Pub. (in Persian)
- Rosenfeld, M., Sajó, A. (2012). *The Oxford Handbook of Comparative Constitutional Law*, Oxford University Press.
- Zeraat, A., Hajizadeh, H. (2009). *An Introduction to Constitutional Law of Islamic Republic of Iran*. Tehran: Daneshpazir Pub. (in Persian)

Articles

- Dobel, J. P. (2012). The ethics of resigning. *Journal of Policy Analysis and Management* (18), (2), 245-263.
- Elhami, R., Vatani, Z., Mirzaei, M. (2023). The Validity of the Presidents' Decisions in the Iranian Legal System with a View to the Concepts of Governorship. Advocacy and Allegiance. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 12(39), 93-120.
- Ghaemi, M., Derakhshan, D. (2020). The Resignation of General Authorities in the Constitutional Law of Iran; a defining and absolutist approach (a legal-jurisprudential study). *Islamic Government*, 25(98), 170-194.
- Köker, P., Carstens, H. J. (2021). Acting Presidents and Temporary Presidential Succession in European Republic. *Institute of Comparative Law. Belgrade*, 245-258.
- Moradi Berlian, M. (2013). *The position and polace of the president in the political system of the Islamic Republic of Iran* (Persian). a collection of articles of the first national conference of the executive branch on the fundamental rights of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Deputy for compiling, codifying and publishing laws and regulations, 509-524.
- Mirmohammadi, S. M., Jamali, H. (2022). Requirements and Sequences of Interpellation and Dismissal of The President in The Constitutional Law of The Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 11(35), 51-72.
- Safaei Ovandari, H. R. (2021). The Abdication of the Ruler by God's Command in Islam Public Law; Investigation for possibility, Obligations and Requirements. *Civil Jurisprudence Doctrines*, 13(24), 239-260.